

سازندگی دختران

قسمت ششم

تربیت جنسی دختران

مقدمه

نقشه آفرینش به گونه‌ای طرح و برنامه‌ریزی شده است که در آن علاوه بر تکامل و رشد زمینه‌های تداوم و بقای نسل، ادامه حیات و در نتیجه پیدایش انواع سازندگی‌ها و بنای آفرینش براساس بیش قرآنی مبتنی بر زوجیت و درعالم گیاه و حیوان زوجیت برجست می‌باشد. همه جذبه‌ها و انجذابها درعالم حیات حیوانی و انسانی بر اثر آن قابل تبیین است اگرچه در کنار آن معنویت و رشد، تکمیل و تکامل هم مطرح است.

به گفته «لافون»: جنسیت سرچشمه زنانگی و مردانگی، سرچشمه عشق، سرچشمه استعداد شخصی، سرچشمه استعداد زندگی و جزء مکمل طبیعت انسان بوده و از لحاظ مورفولوژی و رفتارها و علائقش او را مشخص می‌کند.^۱ در تربیت نسل یکی از اهداف و مقاصد ما هدایت غریزی و قرار دادن آن در مسیر صحیح و خداپسندانه است که ما از آن به تربیت جنسی یاد می‌کنیم و آن را موضوع این بحث قرار داده‌ایم.

معنی و مفهوم تربیت جنسی

نخست متذکر شویم که غرض از تربیت جنسی و حتی آموزش آن، دادن اطلاعات در زمینه تشریح دستگاه تناسلی، استفاده از اعضای آن، و دستیابی به لذت آمیزش و از این قبیل نیست که در برابر آن منع و تابوی جنسی مطرح باشد. بلکه عرض از آن ارائه

اطلاعات دقیق و روشنی به دختران است که در سایه آن به تشخیص مسائل مربوط به جنسیت خود ناآشنا نباشند و بدانند در رابطه با جنسیت خود چه کنند و چه وظایف و مسؤولیتهایی دارند.

در معنای تربیت جنسی به صورت علمی دو جنبه مهم زیر مطرح و مورد نظر است:

۱- دادن آگاهی‌هایی از حقایق زیستی دختر یا پسر بودن که در باید دستگاه جنسی چگونه کار می‌کند و تأمین بهداشت و قواعد آن چگونه است. نظام تولید و تناسل و حفظ نسل و بقای نوع و...

۲- مراقبت و راهنمایی جنسی به گونه‌ای که فرد را در سازگاری‌های مطلوب کمک کند و فرد با توجه به ارزشهای اخلاقی و فرهنگی در این زمینه به پیش رود تا حدود روابط رانگه دارد و...^{۳ و ۲}

در نهایت برای ما این اصل است که به دختر اطلاعاتی صحیح و اساسی از

جنسیت وی بدهیم به گونه‌ای که او در حفظ شرافت و عفت خود، آگاه و هشیار گردد، تکالیف شرعی و اخلاقی خود را در رابطه با جنسیت خود بداند و در شرایط گوناگون مواضع لازم را اتخاذ کند.

اخلاق جنسی

در نظام تربیتی اسلام بخشی از مباحث مربوط به تربیت جنسی شامل اخلاق جنسی است که به فرموده «شهید مطهری (ره)» مباحث آن شامل:

حیای زن از مرد، عزت ناموسی، عفاف، و وفاداری زن نسبت به شوهر، ستر عورت، ستر بدن زن از غیر محارم، منع زنا، منع تملع نظری و لمسی از غیر همسر قانونی، منع ازدواج با محارم، منع نزدیکی با زن در ایام عادت، منع نشر صور فبیحه، پلیدی تجرد



تفاوتی که در اخلاق جنسی بین غرب و اسلام است این است که ما ریشه‌ها و مبانی اخلاق را در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه جنسی بطور عام از شرع می‌گیریم و غرب آن را از حیات اجتماعی و شرایط عرف و اجتماع. کلیات مربوط به اخلاق جنسی در اسلام ثابت است و در غرب متغیر و تابع شرایط نظام خاص جامعه. ممکن است روابط معاشرتی آزاد بین زن و مرد در غرب روزی مجاز باشد و روزی هم ممنوع و در اسلام همه گاه ممنوع است.

در اخلاق جنسی ما سعی داریم ملکات و عاداتی در دختران پدید آوریم که آنان در سایه آن ملکات مدیر خود و اهوای خویش گردند. گزینه را تعدیل می‌کنیم و شرایط عفاف را به دختران می‌آموزیم و آنها را در این زمینه عادت می‌دهیم و کلاً گزینه را عاملی می‌سازیم در جهت رشد و کمال آنها.

ضرورتها در تربیت جنسی

در تربیت جنسی ضرورت‌های متعددی را می‌توان مطرح کرد؛ از جمله آشنا کردن دختران به وظایف خود در این زمینه که بخشی از حق تربیت آنها به حساب می‌آید، دور داشتن آنها از عوارض جهل و غفلت و مسامحه که عوارض ناشی از آن را در جوامع بیش یا کم می‌بینیم، مبارزه با اندیشه پلیدی گزینه و طغیان و عصیان آن... شهید مطهری در این باره چنین می‌گوید:

مقتضای منطق و تعقل این است که با سنن و خرافات مبتنی بر پلیدی علاقه جنسی مبارزه کنیم و در عین حال موجبات طغیان و عصیان و ناراحتی گزینه را به نام آزادی و پرورش آزادانه فراهم نکنیم.^۵ چنین امری لازم است، اگر چه بنظر عده‌ای ناپسند آید. سنت مخفی داشتن آن زمینه‌ساز عوارض و گاهی هم حرص و عطش بیشتر در کشف است. واقع‌بینی‌ها را باید پذیرا شد در عین اینکه هدفگرایی را از یاد نمی‌بریم.

ما در این سری از مباحث، اهداف و مقاصد گوناگونی را تعقیب می‌کنیم که از جمله آن آگاهی دادن در زمینه وظایف خاص و موضعگیری صحیح در قبال آن است. دختران ما پیش از اینکه در چنگال پر قدرت تمایلات جنسی چون برده‌ای اسیر و مرغی بال شکسته شوند و عنان اختیار را از دست بدهند، باید بتوانند بر آن تسلط یافته و آن را در طریق مشروع و نمربخشی هدایت کنند.

ما می‌خواهیم دختران را در شناخت جنسیت خود یاری کنیم طوری که او به لطافت جنس خود افتخار کند و از دختر بودن خود قلباً خشنود باشد...^۶ و هم آموزش‌های لازم را در زمینه حیات بعدی و زندگی خانوادگی خود و نقش همسر بودن و مادر شدن را به او بدهیم، بدون اینکه خفته‌ای قبل از موقع بیدار شود.

مگر ممکن است دختر و پسری که درس زدن و شوهرداری نخوانده و کتابی در این زمینه مطالعه نکرده‌اند، و کلاس کارآموزی ندیده‌اند، ناگهان زن و شوهر و مادر شوند و بدون اختلاف بمانند؟^۷

هم چنین غرض ما در تربیت جنسی عرضه مقررات شرعی و عبادی در این زمینه، دادن درس عفت و اخلاق، حکومت دادن روح تقوا، شناساندن عوارض انحراف از جاده شرع و تقوا، یاری رساندن فکری به آنان در کیفیت بهره‌گیری از این قوای حیاتی و بنیانگذاری خانواده‌ای خوشبخت و

اینکه مادر نسبت به زن بودن خود خوشبین یا بدبین باشد، به خود لعنت و نفرین بفرستد و یا از جنسیت خود شکایت داشته باشد، در سنین بلوغ اثر خود را بر دختر می‌گذارد و او را به شرایط خود بدبین می‌کند.

آغاز احساس هویت جنسی

در اینجا از دو مسأله باید بحث به میان آید: یکی احساس هویت جنسی و دیگری مسأله شخصیت جنسی، اما در مورد هویت جنسی مرز سنی ۲/۵ تا ۶ را ذکر می‌کنند. برخی از روانشناسان نوشته‌اند کودک از دو سال و نیم (۲/۵ سالگی) احساس هویت جنسی می‌کند و در می‌یابد که پسر است یا دختر و بازی‌ها از همان سن رنگ جنسی پیدا می‌کنند. پسر با تفنگ به بازی می‌پردازد و دختر با عروسک...^۸ و برخی آن را از چهار سالگی می‌دانند و مخصوصاً یادآور می‌شوند دختر از ۴ سالگی اختلافات جنسی را کشف می‌کند و برای آن روابط خود نوعی تصور جنسی دارد.^۹ البته برخی دیگر هم هستند که احساس هویت را در سنین ۳، ۵ و ۶ ذکر کرده‌اند که به گمان ما همان سنین ۴ تا ۶ برای کودکان مختلف، درست‌تر است.

اما در شخصیت جنسی گمان ما این است که برای آن باید منتظر سنین بلوغ بود که در آن برای دختر این احساس پدید می‌آید زنی کامل است و می‌تواند در شأن همسری با مادری ایفای وظیفه کند. دکتر اسپاک می‌گوید: شخصیت جنسی هرکس تا حدودی از تأثیر غدد مربوط به ویژه از زمان بلوغ به بعد و تا حدی از شناخت اندام در آغاز دوره کودکی و بازتاب‌های روانی بدین شناخت پدید می‌آید.^{۱۰}

مقدمات تربیت جنسی

با همه این احوال مقدمات تربیت را از سه سالگی آغاز می‌کنیم که دوره ابراز شخصیت است و کودک به وجود خود به عنوان یک شخص مستقل پی می‌برد. در این سن طفل تصور دارد که وجودی جداگانه از وجود مادر است و خود را «من» می‌شناسد.^{۱۱} البته کسانی هم هستند که آغاز

آن را از همان زمان ولادت می دانند که به نظر ما اغراق آمیز است. طرز فکر اسلام هم در تربیت جنسی شاید همان سن سه سالگی باشد، بدان خاطر که اسلام تفاوت در لباس را برای کودک از نظر رنگ و فرم در سن سه سالگی می داند.

در غرب توصیه ها این است که مقدمات این تربیت در دوره دبستان و دوره راهنمایی باید آغاز شود و صورت علمی بحث در دبیرستان در کتب زیست شناسی، در همه حال به گفته لافون، تربیت جنسی همانند تربیت مذهبی باید در وهله اول در خانواده و به وسیله والدین صورت گرفته و کم کم بر حسب موقعیت و رشد کودک انجام پذیرد.^{۱۲}

در آنچه که مربوط به شرایط خاص تربیت جنسی می شود شاید پدران و مادران خود را در محدودیت، اخلاقی ببینند و نتوانند آنچه را که ضروری حیات است به دختران بیان دارند، (اگرچه در اسلام اصل بر این است، مادران محرم راز دختران باشند و حقایق را به آنان بگویند) در اینجا است که مدرسه و معلم می تواند به کمک بر خیزد و حقایق و اطلاعات لازم را در قالب بحث های کلاسی عرضه بدارد و تذکرات و بندهای لازم را بیان دارد و معلمان می توانند راحت تر و بی پروا تر حرف بزنند و دختران را ارشاد نمایند.

در طریق تربیت جنسی

در همه مسائلی که در تربیت جنسی مطرح و مورد نظر است سعی داریم از طریق سخن، رفتار، مواضع و روابط بدوسری از مباحث را در اختیار بگذاریم: یکی معلومات جنسی و دیگری ارشادها و راهنماییهای لازم که ما در صفحات پیشین اشاره ای به آنها داشته ایم. اما اقداماتی که در این زمینه باید به عمل آیند عبارتند از:

۱- دادن اطلاعات لازم

معلوماتی که در این زمینه به زبان کودکانه

* در اخلاق جنسی ما سعی داریم ملکات و عاداتی در دختران پدید آوریم که آنان در سایه آن ملکات مدیر خود و هوای خویش گردند.

در اختتامی گذاریم شامل فلسفه عمومی جنسیت، مسئله غفت و اهست آن، نداشتن احساس شرم در جنسیت خود، آگاهی های مربوط به زندگی مشترک زن و شوهر در خانواده و نقش زن و مرد، وجود بیوند در میان افراد خانواده و حسن رفتار و سلوک، آگاهی از قواعد بهداشت، اطلاع از عوارض بی توجهی نسبت به حفظ عفاف، خیر دادن از وجود شبانان و آلودگان که در بی صیدی خیراند، اطلاع از مسائل شرعی و عبادی دختران در مواقع خاص حیات زنانه، لزوم حفظ پوشش خود و بیگفته علی محمد حسین ادیب، ارشادهای اخلاقی اجتماعی و روحی که با زندگی جنسی افراد ارتباط دارد.^{۱۳}

۲- ارائه الگوها در زندگی

خانوادگی

الگوی جنسی را از همان دوره اول کودکی باید در نظر گرفت، بر اساس تحقیقات گلدبرگ - لويس این تأثیر پذیری در طول سال اول زندگی آغاز می شود و البته «وارد» نشان داده است که نقش جنسی معمولاً قبل از ۵ سالگی پذیرفته شده است.^{۱۱}

کلاً در تربیت جنسی نقش الگویی والدین مهم است. نوع روابط و برخورد های زن و شوهر به فرزندان کمک می کند که نقش خود را در بایند و البته حضور والدین در خانه، وجود برادر و خواهر در خانه، نحوه تماس ها و ارتباطات در تربیت جنسی یک نعمت است و زمینه را برای آموزش شرایط ایفای نقش ه فراهم می سازد.

بخشی از جنبه الگویی والدین در بعد روابط

زناشویی با یکدیگر است که مخصوصاً باید از دیدها پنهان باشد. در سنین مربوط به بلوغ و نوجوانی که نوعی بیداری جنسی در دختران پدید می آید این مراقبت باید بیشتر باشد و حتی مادران باید مراقب پوشش و ستر خود باشند.

۳- اعلام خوشبینی

ما می خواهیم دختران قلباً از دختر بودن خود خشنود باشند و وزیر و زنگوشند در کسب اطلاعات لازم در این زمینه تلاش کنند و برای ایفای نقشی که در آینده بر عهده خواهند گرفت آمادگی پیدا کنند. بیگفته د کتر جینوت این احساس بهنگامی تقویت می شود که مادر از زن بودن خود شرم نداشته باشد.^{۱۴}

اینکه مادر نسبت به زن بودن خود خوشبین یا بد بین باشد، به خود لعنت و نفرین بفرستد و یا از جنسیت خود شکایت داشته باشد. در سنین بلوغ اثر خود را بر دختر می گذارد و او را به شرایط خود بد بین می کند.^{۱۵} پدران و مادران در محیط خانواده هر کدام در ایفای نقش خود باید خوشبینی خود را اعلام نمایند و به صورت غیر مستقیم به او بفهمانند که شرایط او ناصواب نیست.

۴- تکیه بر پوشش

ستر و حجاب و نوع پوشش پدران و مادران در محیط خانه می تواند آموزنده درس های مثبت و یا انحراف آمیز باشد. در این زمینه درد و جنبه باید اقدام شود:

الف- درباره کودک که باید از همان خردسالی و مخصوصاً از سه سالگی مراقبت در لباس دخترانه داشت و سترهای لازم را در این زمینه رعایت کرد. حتی در سنین قبل از شش سالگی او را به نوعی از حجاب باید عادت داد، تا تدریجاً بدان خو گیرد. چادری بر سر کند و در نماز کنار مادر ایستد، با پوشش مو و مقنعه ای در حضور مهمانان حاضر شود. حتی در بازیها هم می تواند با پوشش سبک تری شرکت کند.

ب- در خصوص خود والدین که پدر

باید ضوابطی را رعایت کند و هم مادر از سنین تمیز الگوی مناسبی برای دختران باشد. کلاً لباس مسکن است در گستاخی و جلفی و هم در عفت و شرافت دختر اثرات فوق العاده ای داشته باشد. والدین از همان سنین سه سالگی در لابلای سخنان و مواضع خود به نوعی جهت دهی در این زمینه باید اقدام کنند.

۵- توجه به شوون حیات

همان گونه که دختران را از تمایلات ناروا دور می داریم راه و رسم زندگی شرافتمندانه و طرق عزیزماندن را به اومی آموزشیم. در روابط و معاشرت ها به او تذکر می دهیم که چگونه باید باشد تا از نظر اسلامی قضاوت درستی درباره او معمول شود.

هم چنین اصل بر این است که یادگیری ها و آموزش ها از نوع زندگی روزمره باشد و این امر از اسباب بازی آنها آغاز و به ارائه شیوه ها و فنون دیگر ختم می شود و مخصوصاً منذ کرمی شوم که بازی ها و اسباب بازی ها در تربیت جنسی و توجه دادن به جنسیت نقش فوق العاده ای دارد.

از سنین تمیز، این مراقبت را به اومی دهیم که در باره خود هشیار باشد. مثلاً یک دختر ۶ یا ۷ ساله باید بداند که فردی نامحرم نمی تواند او را ببوسد و با کسی حق ندارد به لباس او دست بزند و این اطلاعات از همان سنین کلاس اول ابتدائی توسط مدرسه تکمیل خواهد شد.

تربیت با توجه به رشد

این مسئله مهمی است که در تربیت هر چیز

*** مقتضای منطق و تعلق این است که با سنن و خرافات مبتنی بر پلیدی علاقه جنسی مبارزه کنیم و در عین حال موجبات طغیان و عصیان و ناراحتی غریزه را به نام آزادی و پرورش آزادانه فراهم نکنیم.**

را در جای خود و در موقع خود بیاموزیم. مثلاً در سنین قبل از ۶ سالگی می توان به زبان کودکانه از دنیای متفاوت زن و مرد سخن گفت، و تا ۹ سالگی باید به آموزش اخلاق و تکیه بر عفت همت گماشت. در سنین ۱۰ و ۱۱ او را باید به اعمال عبادی که کنترل کننده اوست جهت داد. در سنین حدود ۱۲ و ۱۳ که مرحله بلوغ بدنی است باید از مسائل مربوط به بلوغ و خطراتی که در این سنین ممکن است از محیط خارج متوجه آنها گردد بحث به میان آورد...

* ما می خواهیم دختران را در شناخت جنسیت خود یاری کنیم، طوری که او به لطافت جنس خود افتخار کند و از دختر بودن خود قلباً خشنود باشد.

در همه این آموزش ها سعی بر این است که او مسائل را به تناسب رشد و سن خود لمس کند و مباحث به گونه ای عرضه گردد که جنبه خیالپردازی به خود نگردد. و هم این مراقبت را داریم که در سنین بلوغ از عامل عقل و ایمان استفاده کنیم. بگفته لاچکف، عقل، روش احساس اخلاقی را بهتری می سازد و عقل باید راهنمای دل باشد. "و برای رام کردن احساسات غریزی باید دانست که عقل و علم و تربیت تاب مقاومت ندارند و باید سعی کنند از احساس دیگری، یعنی ایمان استفاده کنند."

ضرورت اطلاعات درست

اگر تربیت با توجه به اصول رشد صورت گیرد، ما را از آن باکی نیست که در هر مرحله به صراحت و درستی حقایق را در اختیار دختران بگذاریم. بسیاری از والدین و مربیان از دادن اطلاعات درست به فرزندان طفره می روند بدان خاطر که احساس می کنند این اطلاعات ممکن است برایشان خطر نیاورد.

در این جا ضروری است که به این نکته

توجه کنیم:

۱- از دادن اطلاعات غلط به کودک بپرهیزیم که آن عارضه آفرین است.
۲- آنجا که به مصلحت نمی دانید به سؤالی پاسخ صریح بدهید یا روی خوش بگویید این سؤال را بعداً به توجواب خواهیم گفت، زبان این نگفتن بر مراتب کمتر است از زبان دروغ گفتن و غلط گفتن.

۳- در برابر سؤال بی پروای فرزندان بریشان نشوید. او دانشجو نیست که نیازه بیان جزئیات داشته باشد. گاهی پاسخی به صورت کلی او را قانع می کند و این از اشتباهات والدین است که در برابر یک سؤال بنظر صریح جنسی خود را بیازند و از خود دستباجگی نشان دهند.

اطلاعات غلط در صحنه تطبیق معلوم نیست به نفع او باشد. شما مسکن است با حسن نیت خود جوابی را برای او سرهم کنید، اما او اگر در عرصه عمل دچار مشکل شود، در صورت کشف واقعیت به شما بی اعتماد خواهد شد. در حین آموزش، حجب و حیاء را نباید کوچک و بی اهمیت شمرد. این جنبه جدی تربیت جنسی است. با تشکیل این صفت احساس عمیق احترام به عفت در برخورد با جنس مخالف آغاز می شود.^{۱۱}

• پی نوشتها:

- ۱- ریشه های روانی رفتار کودک کان، ص ۸۸
- ۲- روان شناسی رشد، گروه نویسندگان، ترجمه رحمانیان، ص ۲۸۹
- ۳- راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، محمدحسین ادیب، ترجمه رادمنش، ص ۲۹۴
- ۴- اخلاق جنسی در اسلام و غرب، شهید مطهری، ص ۱۹
- ۵- همان مأخذ، ص ۲۵
- ۶- روابط والدین- فرزندان، ص ۲۰۸
- ۷- بهشت خانواده، ص ۴۳۲
- ۸- خلاصه روان پزشکی، ج ۱، ص ۸۶
- ۹- ریشه های روانی رفتار کودک کان، ص ۱۲۲
- ۱۰- تربیت کودک در عصر دشوار ما، ص ۳۰۸
- ۱۱- زمینه جامعه شناسی، آریان پور، فصل شخصیت
- ۱۲- ریشه های روانی رفتار کودک کان، ص ۸۸
- ۱۳- راه و روش تربیت، ص ۲۹۴
- ۱۴- روان شناسی اختلافی زن و مرد، ص ۲۴
- ۱۵- روابط والدین و فرزندان، ص ۲۰۸
- ۱۶- نوجوانی، دکتر جعفر کرمانی، ص ۲۵
- ۱۷- روان شناسی و تربیت جنسی، ص ۷
- ۱۸- جوان، فلسفی، ج ۱، ص ۳۷۲
- ۱۹- روان شناسی و تربیت جنسی، ص ۳۶